

اهمیت استراتژیک و اقتصادی خارک

طرح دوباره ادعای تصرف جزیره خارک از سوی دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، بار دیگر این جزیره کوچک اما راهبردی ایران را به کانون توجه رسانه ها و تحلیلگران سیاسی و اقتصادی جهان بازگردانده است. خبر آنلاین نوشت: ترامپ در تازه ترین اظهارات خود از امکان «در اختیار گرفتن» خارک سخن گفته و این جزیره را به عنوان یکی از مهم ترین اهداف فشار بر ایران مطرح کرده است؛ اظهاراتی که هرچند از منظر عملیاتی و حقوقی با موانع فراوانی روبه روست، اما نشان می دهد خارک همچنان در محاسبات راهبردی واشنگتن جایگاهی ویژه دارد.

جزیره خارک، کانون دوباره توجه

در شرایطی که تنش های ایران و آمریکا بار دیگر افزایش یافته، طرح نام جزیره خارک از سوی ترامپ باعث شده توجه افکار عمومی به یکی از مهم ترین نقاط راهبردی ایران جلب شود. اهمیت این جزیره تنها به موقعیت جغرافیایی آن محدود نیست، بلکه جایگاه آن در اقتصاد انرژی ایران باعث شده هرگونه اشاره به خارک بلافاصله ابعاد سیاسی، اقتصادی و امنیتی پیدا کند. به همین دلیل نیز اظهارات ترامپ درباره این جزیره فراتر از یک موضع گیری تبلیغاتی ارزیابی می شود و بسیاری آن را بخشی از ادبیات فشار علیه ایران می دانند.

جزئیات جغرافیایی

جزیره خارک در شمال خلیج فارس و در حدود ۵۵ کیلومتری سواحل استان بوشهر قرار گرفته است. این جزیره مرجانی با مساحتی نه چندان بزرگ، دهه هاست که نقشی فراتر از ابعاد جغرافیایی خود ایفا می کند. خارک از دهه ۱۳۴۰ به تدریج به مهم ترین پایانه صادرات نفت ایران تبدیل شد و امروز نیز ستون فقرات صادرات نفت خام کشور به شمار می رود. بخش عمده خطوط انتقال نفت از میدان های بزرگ نفتی ایران به این جزیره منتهی می شود و نفت پس از ذخیره سازی در مخازن عظیم خارک، از طریق اسکله های عمیق آن به نفتکش های غول پیکر منتقل می شود. ظرفیت بالای بازرگاری و امکان پهلوگیری هم زمان چندین ایرفتکش، مزیتی است که کمتر نقطه ای در سواحل ایران از آن برخوردار است. اهمیت خارک تنها به زیرساخت های نفتی محدود نمی شود. این جزیره از معدود جزایر خلیج فارس است که دارای منابع آب شیرین طبیعی بوده و به همین دلیل از دوران باستان محل سکونت و فعالیت های تجاری بوده است. آثار تاریخی متعددی از دوره هخامنشی، بقایای صومعه های مسیحی و نشانه هایی از حضور بازرگانان و دریانوردان قرون مختلف در این جزیره کشف شده است. خارک در دوره های مختلف تاریخی تحت نفوذ قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای قرار داشته و حتی شرکت هند شرقی هلند نیز در قرن هجدهم در آن پایگاه تجاری ایجاد کرده بود.

اهمیت استراتژیک

با این حال آنچه خارک را به یک نقطه حساس در معادلات ژئوپلیتیک تبدیل کرده، وابستگی صادرات انرژی ایران به این جزیره است. برآوردهای مختلف نشان می دهد

حدود ۹۰ درصد نفت خام صادراتی ایران از خارک صادر می شود و این جزیره عملاً شاهراه درآمد های نفتی کشور محسوب می شود. به همین دلیل در طول جنگ ایران و عراق نیز خارک بارها هدف حملات هوایی عراق قرار گرفت. هرچند تأسیسات آن آسیب دید، اما ایران توانست با بازسازی مداوم و استفاده از پایانه های جایگزین، صادرات نفت خود را ادامه دهد. در واقع اگر بخواهیم تنها یک نقطه را به عنوان مهم ترین مرکز صادرات انرژی ایران معرفی کنیم، بدون تردید نام خارک در صدر این فهرست قرار می گیرد. از همین رو بسیاری از کارشناسان امنیت انرژی معتقدند که امنیت این جزیره ارتباط مستقیمی با ثبات اقتصادی ایران دارد.

چرا ترامپ روی تصرف جزیره خارک تأکید می کند؟

درک جزایی اهمیت خارک برای ترامپ نیز از همین نقطه آغاز می شود. در نگاه بسیاری از استراتژیست های آمریکایی، فشار حداکثری واقعی بر ایران زمانی محقق می شود که شریان اصلی درآمد های نفتی کشور تحت تأثیر قرار گیرد. از این منظر، خارک نه یک جزیره معمولی بلکه قلب اقتصاد نفتی ایران است. گزارش های منتشر شده در آمریکا نشان می دهد در ماه های اخیر تصرف یا نابودی زیرساخت های خارک به عنوان یکی از گزینه های نهایی در سناریوهای نظامی علیه ایران مورد بررسی قرار گرفته است، زیرا آسیب دیدن این جزیره می تواند صادرات نفت ایران را به شدت کاهش دهد و منابع مالی دولت را تحت فشار قرار دهد. برای ترامپ که همواره نگاه اقتصادی به ایران داشته، خارک نماد یکی از مهم ترین منابع درآمدی ایران است. به همین دلیل در ادبیات او، این جزیره جایگاهی فراتر از یک هدف نظامی پیدا کرده و به عنوان اهرمی برای اعمال فشار بر تهران مطرح می شود. نکته قابل توجه این است که علاقه ترامپ به خارک موضوع تازه ای نیست.

«آرمان ملی» گزارش می دهد

نفس های به شماره افتاده روزنامه های مستقل



صالحی گفته بود: «آن چیزی که برای تحقق آن تلاش می کنیم این است که سرعت ثبت سفارش ها و سرعت ورود را افزایش بدیم تا کاغذ در دسترس باشد و کمبودی شکل نگیرد و با قیمت متعادل نسبت به نرخ جهانی ارز عرضه بشود. در این شرایط، طبیعی است که با کاغذ نیز شبیه به بقیه کالاها رفتار بشود. همانطور که برای نهاده های دامی ارز ترجیحی حذف می شود، درباره کاغذ نیز چنین است.»

صالحی با اشاره به بودجه ۱۴۰۵ تأکید کرد: «بودجه سال ۱۴۰۵ دولت، به شدت انقباضی است و تنها ۲ درصد افزایش برای بودجه در نظر گرفته شده است. تلاش ما در وزارت فرهنگ برای لایحه دولت به این نتیجه رسید که رقم افزایش به ۱۵ درصد ارتقا پیدا کند، اما هزینه های ناشی از تورم و حقوق و دستمزد، حتما شرایط ما را سخت تر می کند.» حالا دقیقاً همان زمان است و قیمت کاغذ کار را برای همه کسانی که در این حوزه کار می کنند بسیار سخت کرده است. به نظر می رسد که وزارت ارشاد قابل بازخوانی و مطالعه هستند. از سوی دیگر، روزنامه ها بخشی از سرمایه فرهنگی و اجتماعی هر جامعه محسوب می شوند. وجود رسانه های حرفه ای و مستقل می تواند به افزایش آگاهی عمومی، تقویت گفت و گوی اجتماعی و ارتقای کیفیت تصمیم گیری در جامعه کمک کند. نمی توان انکار کرد که فضای مجازی بخشی از کارکردهای سنتی روزنامه را برعهده گرفته است با این حال خلوت شدن دکه های مطبوعاتی از روزنامه و مجله دلایل متعددی دارد که از قضا قیمت روزنامه ها نقشه در این بین نداشته است. به عبارت دیگر قیمت روزنامه ها از جمله عجایب است و به دلیل تفاوت قیمت روزنامه با تقابل، درحال حاضر روزنامه ها در محاصره نقلات گرفتار شده اند. سرعت بالای انتشار اخبار، دسترسی آسان و هزینه کمتر موجب شده که بسیاری از مخاطبان به سمت رسانه های آنلاین گرایش پیدا کنند. به همین دلیل، آینده روزنامه ها نه در رقابت با سرعت فضای مجازی، بلکه در ارائه محتوای دقیق، تحلیلی، معتبر و قابل اعتماد تعریف می شود. در نتیجه، اهمیت روزنامه در عصر دیجیتال بیش از آنکه به انتقال سریع خبر وابسته باشد، به نقش آن در اعتباربخشی به اطلاعات، تولید تحلیل های عمیق، مستندسازی رویدادها و تقویت فرهنگ گفت و گو و آگاهی عمومی بازمی گردد. از این منظر، روزنامه نه رقیب فضای مجازی، بلکه مکمل آن است و همچنان جایگاه مهمی در نظام رسانه ای جوامع دارد.

عدم حمایت از مطبوعات

سال گذشته وزیر ارشاد درباره حذف ارز ترجیحی کاغذ صحبت کرد. سیدعباس

از محصولات چاپی محسوب می شود، اما تنها عامل تعیین کننده برای قیمت نهایی نیست. در صنعت چاپ هزینه های دیگری هم به همان اندازه مهم وجود دارد که به موازات افزایش قیمت کاغذ رشد می کند و کرده است. بنابراین، رابطه میان حذف ارز ترجیحی و قیمت تمام شده چاپ، رابطه ای مستقیم اما غیرخطی است.

ماندگاری دشوار روزنامه ها

گفته می شود که با گسترش فضای مجازی نیاز عموم مردم به روزنامه کمتر شده است. تردید نیست که فضای مجازی توانسته خود را به زندگی شهروندان تحمیل کند و متعاقب این تحمیل، تحول روشنی در برخی از زمینه ها رخ داده است. با این حال روزنامه ها تحت تأثیر نرخ ارز قرار داشته است. زمانی که دولت برای واردات کاغذ ارز ترجیحی یا یارانه ای اختصاص می دهد، واردکنندگان می توانند این کالا را با هزینه کمتری وارد بازار کنند و در نتیجه قیمت نهایی کاغذ برای مصرف کنندگان و صنایع وابسته کاهش می شود، اما با حذف این حمایت ارزی، هزینه واردات افزایش یافته و قیمت کاغذ نیز متناسب با نرخ های جدید ارز رشد می کند. از منظر اقتصادی، این افزایش قیمت کاملاً قابل انتظار است. زمانی که هزینه تأمین یک نهاده اصلی افزایش می یابد، تولیدکنندگان و عرضه کنندگان ناچارند این افزایش را در قیمت فروش خود منعکس کنند. به همین دلیل پس از حذف ارز ترجیحی، بازار کاغذ رشد قیمت مواجه شد و این موضوع نگرانی فعالان حوزه نشر، مطبوعات و چاپ را در پی داشت. با این حال، نباید تصور کرد که افزایش قیمت کاغذ به همان نسبت در قیمت خدمات چاپ منعکس می شود. خدمات چاپ ساختار هزینه ای پیچیده ای دارد. کاغذ اگرچه مهم ترین ماده اولیه در بسیاری

«آرمان ملی» بررسی می کند

تحركات تندروها در تجمعات شبانه

برای ابراز حمایت همه جانبه از میدان و دایره سخنران ها به یک طیف سیاسی محدود شده است. قدربری ایبانه و کامران غضنفری دو چهره شناخته شده نزدیک به یک جریان سیاسی هستند. قبل از قدربری ایبانه هم یکی از روحانیون سخن گفت که کاملاً راضی بود به دیدگاه های نزدیک است. مساله این است که یک جریان سیاسی که از قضا مخالف عملکرد محمدباقر قالیباف بوده و این مخالفت را به شکل های مختلف بیان کرده، به جای تأکید بر وحدت و انسجام ملی برای مقابله با دشمنان کشور، دیدگاه و نظر سیاسی خود را ابراز می کند. تردید نیست که مردم

عنوان سخنران شرکت می کردند، کم کم دایره سخنران ها به یک طیف سیاسی محدود شده است. قدربری ایبانه و کامران غضنفری دو چهره شناخته شده نزدیک به یک جریان سیاسی هستند. قبل از قدربری ایبانه هم یکی از روحانیون سخن گفت که کاملاً راضی بود به دیدگاه های نزدیک است. مساله این است که یک جریان سیاسی که از قضا مخالف عملکرد محمدباقر قالیباف بوده و این مخالفت را به شکل های مختلف بیان کرده، به جای تأکید بر وحدت و انسجام ملی برای مقابله با دشمنان کشور، دیدگاه و نظر سیاسی خود را ابراز می کند. تردید نیست که مردم

جریان در تجمعات شبانه یلا کارهایی در دست داشتند و بازگشایی مجلس را طلب می کردند. چنین کاری از سوی ثابته مورد استقبال قرار گرفت و گفت: این کارها در مجلس را بازگشایی کرد تا نماینده ها به وظیفه خود عمل کنند. گفته می شد که تعطیلی مجلس با دستور شحام بوده و دلیل آن حفظ امنیت نماینده های مجلس عنوان شد. از زمان شروع جنگ رمضان و حمله ناگهانی آمریکا و اسرائیل به ایران، شورای عالی امنیت ملی کشور در نامه ای به هیأت رئیسه مجلس، خواستار تعطیلی صحن علنی شد. اگرچه در جنگ ۱۲ روزه مجلس تعطیل نشد اما این تفاوت را می توان در طولانی شدن جنگ و افزایش احتمال ترور مقامات عالی کشور به ویژه محمدباقر قالیباف دید. تفاوت وضعیت در دو جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه موجب ناراحتی حمید رسایی شد. او یکی از نماینده هایی است که چندبار نسبت به تعطیلی مجلس ناراحتی خود را ابراز کرده است. ناراحتی او تا جایی پیش رفت که گفت اگر مجلس باز نشود، در انتخابات هیأت رئیسه شرکت نخواهد کرد. البته او در انتخابات هیأت رئیسه شرکت کرد و نشان داد سخشن آنگذرها جدی نبوده است. امیرحسین ثابتی، دیگر نماینده تهران هم درباره ادامه تعطیلی مجلس گفت: تصمیم اولیه برای تعطیلی مجلس در زمان جنگ اقدام درستی بود، اما در این دوران آتش بس اگر امنیت برقرار است، باید جلسات علنی مجلس مثل فعالیت سایر دستگاه ها برقرار شود. برخی از حامیان این

تصمیم شحام

مساله چیست؟ مجلس به عنوان یکی از نهاد های مهم کشور، بنا به صلاح دید شحام تعطیل است و گفته شده که برای حفظ امنیت نماینده ها تا تاریخ برگزاری آراش مجلس نشست علنی نخواهد داشت. هرچند که به گفته امیرحسین ثابتی در این مدت کمیسیون های مختلف مجلس نشست های خود را برگزار می کرده اند. آنچه است. در این اهمیت دارد. شکل گرفتن فضایی است که آرام آرام یکسویه شده و فقط یک جریان سیاسی بر آن تسلط یافته است. اگر در شب های اول تجمعات مردمی که در حمایت همه جانبه از میدان شکل می گرفت گاهی غیورمردان نظامی هم

گزارش

داستان یک رئیس جمهور

از اسرائیل ستیزی ناسکوت در برابر جنایات اسرائیل

در خرداد ۱۳۸۸ اصولگرایان در حالی عجیب بودند؛ اگرچه چهار سال قبل از آن هم احمدی نژاد دولت را در اختیار خود داشت، اما انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ با فضای خاص خود به میدان تفکیک و تقسیم حیثیت سیاسی تبدیل شده بود و رویاهایشان را تکمیل کرده بود؛ اگر چهارسال قبل با روی کار آمدن دولت نهم به ریاست احمدی نژاد، دولت خاتمی تمام شد حالا با حوادث بعد از انتخابات سال ۸۸ نسخه بسیار از اصلاح طلبان را پیچیده شد. خبرآنلاین نوشت: پارلمان هم آن روزها ملک سیاسی اصولگرایان بود؛ در دولت نهم مجلس هفتم در بد اختیار بردارن اصولگرا چرخید و در روزی که محمود احمدی نژاد-شما لیل ضدید باصلاحات وهاشمی رفسنجانی- برای بار دوم رهسپار پاستور، شاکه و بدنه مجلس هشتم نیز همراه و همخوان با او بود. در آن خرداد ماه داغ، اصولگرایان خود را احکامان بلامنازع جمهوری اسلامی «تأید» می دانستند. بعد از این انتخابات تصور اصولگرایان با ادبیات مختلف حول محور یک عبارت می چرخید؛ دیگر کسی «نفس کش» میدانی نیست که آنها در سال ۱۳۸۸ در آن ساکن شده بودند. از سنتی تا تکورات، از انتهای حمله متولفهای ها در بازار تا ابتدای راهروهای دانشگاه امام صادق. از منبری تا انقلابی و از موتوری تا دیپلمات، همه و همه تصور می کردند از کشور دوست و برادر «روسیه» الگو گرفته اند و قرار است تجربه حزب متحد روسیه بزرگ را تکرار کنند. تابستان ۱۳۹۲ اما ورق چرخید. از این نقطه تاریخ بود که رقابت اصولگرایان با پیوسته ظاهری گفتمانی شروع شد و این تغییر در ایام انتخابات بعد نیز ادامه پیدا کرد تا جایی که انتخابات سال ۱۳۹۲. زمین تبلور گفتمانی بود که با دوا لایه رقابت شروع شد؛ لایه نخست رقابت دو چهره نماد اصلاح طلبان و اصولگرایان و لایه دیگر رقابت درونی اصولگرایان. رقابت درونی اصولگرایان نیز بین سعید جلیلی و محمدباقر قالیباف تعریف می شد؛ سعید جلیلی نماد گفتمان مسجد، مدرسه و خانواده شد و محمدباقر قالیباف با تجربه سال ۱۳۹۲ کت و شلوارش را در آورد و با لباس خاکی و جفیه پرچم مدیر جهادی و تکنوکرات انقلابی را در دست گرفت. صبح روزی که حسن روحانی ۱۸ میلیون رای آورد و رویای خردادی ۱۳۸۸ اصولگرایان نقش بر آب شد، نقطه عطفی در کنش و دسته بندی نسل دوم نیروهای جوان اصولگرای بود که می خواستند با تابلو و نام دهه ۶۰ اصلاح طلبان و دهه ۷۰ اصولگرایان شناخته شوند؛ «حزب اللهی ها»، اما الگویی خرداد ۱۳۸۸ همراه با احمدی نژاد به تاریخ پیوسته بود.

رئیس جمهور افراط چگونه به تقریب رسید؟

پیش از ریاست جمهوری، احمدی نژاد چهره ای ناشناخته برای بسیاری از ایرانیان بود. با سوابقی در سپاه پاسداران و استانداری اردبیل که به عنوان شهردار تهران در سال ۱۳۸۲ به شهرت رسید. دوران شهرداری او با رویکردی پوپولیستی، شوق ساده رسیدن و نمایش رقابت با مردم عادی رخ خورد. شعار «عدالت محوری» و «مبارزه با فساد» که با لحنی تند و انقلابی مطرح می شد، به سرعت او را در میان طبقات فرودست و بخش هایی از نیروهای انقلابی جان انداخت. دوران هشت ساله ریاست جمهوری احمدی نژاد، بی شک پرتلاطم ترین و پربحث ترین مقطع زندگی سیاسی اوست. در عرصه سیاست خارجی، او به نماد «مقابله گرایی» با غرب تبدیل شد و در عرصه داخلی، احمدی نژاد با تکیه بر شعار «عدالت» و «مهوروری»، سیاست هایی نظیر پرداخت یارانه نقدی مستقیم، طرح مسکن مهر و تغییر استانی احمدی نژاد پیش گرفت که اگرچه در میان بخشی از مردم محبوبیت داشت. اما با انتقادات جدی از سوی کارشناسان اقتصادی و سیاسی مواجه شد. در انتخابات ۱۳۸۸ اگرچه او برای بار دوم رئیس جمهور شد، اما شورش سیاست های او برای دولت کشور به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. تلاش های او برای بازگشت به قدرت، به ویژه با تأیید نام در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰، بار صلاحیت از سوی شورای نگهبان ناکام ماند. در دو سال اخیر، با تشدید بحران های منطقه ای و داخلی، از جمله جنگ در غزه و حملات مستقیم به خاک ایران، احمدی نژاد به شکلی معنادار سکوت کرده است.

۱۷ سال بعد از تثبیت رئیس جمهور اسرائیل ستیز

حالا احمدی نژاد با داستان های دیگری نیز سرریزان ها افتاده؛ داستان رئیس جمهوری که روزگاری نه چندان دور در تندتند تغییر از جمله «ژنومه فساد»، «رژیم جنلی»، «رژیم نژاد پرست»، «لکه ننگ» را به کار برد، اما حالا وی در قبال بسیاری از اتفاقات قسط سکوت می کند. تغییر لحن و نحوه مواجهه احمدی نژاد با موضوع اسرائیل شاید هزاران تعبیر و تفسیر داشته باشد، اما بدون شک یک تصمیم آزادی است و نشان از یک تغییر تاکتیکی. آنچه در سال های اخیر مشاهده شده، فاصله گرفتن او از ادبیات تقابلی و نقش آفرینی فعال در پرونده ای است که زمانی مهم ترین مؤلفه هویتی سیاست خارجی اش محسوب می شد، اما چرا احمدی نژاد سکوت نسبی او در قبال تحولات اخیرا می توان در چارچوب بازتعریف جایگاه سیاسی این نیز مورد ارزیابی قرار داد. احمدی نژاد طی سال های گذشته- بعد از دوران ریاست جمهوری اش و به خصوص بعد از رد صلاحیت ها در ثبت نام های انتخابات ریاست جمهوری- تلاش کرده خود را بیش از آنکه در قالب یک بازیگر جناحی یا ایدئولوژیک معرفی کند، در جایگاه یک منتقد ساختارهای قدرت و مدافع مطالبات عمومی بازتعریف کند. در چنین چارچوبی، ورود پررنگ به منازعه ایران و اسرائیل می توانست او را بار دیگر به همان تصویری بازگرداند که در دوران ریاست جمهوری او از در افکار عمومی داخلی و خارجی شکل گرفته بود. شاید احمدی نژاد با خود استدلال کرده است که موضوعی که در دهه هشتاد یکی از اصلی ترین محورهای رقابت های سیاسی و رسانه ای بود، امروز در سایه بحران های اقتصادی، مطالبات اجتماعی و مسائل معیشتی، جایگاه متفاوتی در اولویت های افکار عمومی پیدا کرده است. از این منظر، کاهش تمرکز بر پرونده اسرائیل را می توان تلاشی برای انطباق با دستور کار جدید جامعه و حفظ ارتباط با بدنه ای از مخاطبان دانست که دغدغه های متفاوتی نسبت به او داشته اند. با این حال، همین فاصله گیری موجب شکل گیری یک پرسش مهم نیز شده است؛ اینکه آیا احمدی نژاد امروز همچنان همان سیاستمداری است که بخش مهمی از شهرت و شناخته شدنش را مدیون مواضع تند در سیاست خارجی بود، یا آنکه در حال عبور از آن هویت سیاسی و ساختن تصویری متفاوت از خود است.

آگهی مفقودی

برگه سبز و کمپانی خودرو ۲۰۶ تیپ ۳ مدل ۱۴۰۰

به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۸۵ ج ۱۴۳ ایران ۱۶

و شماره شاسی: ۳EEJ۴۵۳۱۴ NAAP

شماره موتور ۰۱۴۲۷۷-۱۸۲A به نام سیدعباس محمودی مهربان

مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.